PDF Compressor Free Version

مدارسی که از روا داری پیگیری نمی‌دانند

مرگ آرزو خاوری و سوگند صیادی، دو دانش‌آموز نوجوان، بار دیگر پرسش‌هایی جدی درباره نحوه برخورد مدارس با دانش‌آموزان و مسوولیت نظام آموزشی در تامین امنیت روانی و جسمی آنها مطرح کرده است. به گزارش خبرآنلاین، آرزو خاوری، دانش‌آموز ۱۶ ساله افغان و پایه نهم مدرسه کوثر شهرری، ۱۳ آبان ۱۴۰۳ پس از سقوط از یک ساختمان جان خود را از دست داد. پس از انتشار خبر مرگ او، روایت‌های متفاوتی درباره اتفاقات روزهای منتهی به این حادثه مطرح شد.

بر اساس روایت پدر آرزو، ماجرا از اختلاف بر سر پوشش او آغاز شده بود. آرزو در یک اردوی مدرسه شلوار جین پوشیده بود و همین موضوع به تماس مسوولان مدرسه با خانواده منجر شد. پدر او همچنین گفته بود که مدرسه پس از مدتی با خانواده تماس گرفته و اعلام کرده است دخترش بدون اجازه از مدرسه خارج شده و در دسترس نیست. خانواده پس از جست‌وجو متوجه شدند آرزو به بیمارستان منتقل شده و جان باخته است.

پرونده سوگند صیادی، دانش‌آموز ۱۶ ساله کرمانشاهی، بار دیگر این پرسش‌ها را به میان آورده است. او پس از سقوط از طبقه پنجم ساختمان محل سکونتش جان باخت؛ حادثه‌ای که ابعاد و علت آن همچنان در دست بررسی قضایی است.



در روایت‌های منتشرشده درباره این پرونده گفته شده است که سوگند پیش از حادثه با مدیر مدرسه صحبت کرده و از او خواسته بود موضوعی را به پدرش اطلاع ندهد، زیرا از واکنش پدرش نگران بوده است. این روایت هنوز به عنوان نتیجه قطعی تحقیقات قضایی اعلام نشده، اما انتشار آن توجه‌ها را به نحوه برخورد مدرسه با نگرانی‌های دانش‌آموز جلب کرد. طبق گزارش منتشرشده، پدر با اتهاماتی از جمله ضرب و جرح و مدیر مدرسه به دلیل قصور احتمالی در ارتباط با این پرونده بازداشت شده‌اند. با این حال، تحقیقات درباره احتمال قتل یا خودکشی ادامه دارد و هنوز علت قطعی مرگ اعلام نشده است. بازداشت افراد نیز به معنای اثبات اتهام آنها نیست.

وجه مشترک این دو پرونده، صرفا نوجوان بودن دانش‌آموزان یا وقوع حادثه‌ای تلخ نیست؛ بلکه پرسش درباره مسوولیت مدرسه در برابر شرایطی است که ممکن است امنیت و سلامت دانش‌آموز را تهدید کند. نوجوانی دوره‌ای همراه با تغییرات عاطفی، اجتماعی و رفتاری است. اختلاف بر سر پوشش، روابط دوستانه یا مسائل شخصی ممکن است در این سن رخ دهد، اما واکنش نظام آموزشی به این مسائل اهمیت زیادی دارد. برخورد تحقیرآمیز، تهدید به اخراج یا نادیده گرفتن نگرانی‌های دانش‌آموز می‌تواند شرایط را دشوارتر کند؛ به همین دلیل، مدرسه باید به جای تمرکز صرف بر تنبیه و کنترل، راهی برای گفت‌وگو و حمایت پیدا کند. پرسش اصلی این است که اگر دانش‌آموزی در مدرسه از ترس، تهدید یا احتمال آسیب دیدن سخن بگوید، چه نهادی باید مسوولیت پیگیری را برعهده بگیرد؟ آیا مدیر و معلم فقط موظف به اجرای مقررات هستند یا باید بتوانند نشانه‌های خطر را نیز تشخیص دهند؟ پاسخ به این پرسش‌ها، فراتر از بررسی دو پرونده، به بازنگری در نگاه نظام آموزشی به امنیت و سلامت روان دانش‌آموزان نیاز دارد.

خواهان : خانم عصمت رهاوی عزآبادی فرزند محمد باکد ملی ۱ ۰۰۳۶۶۶۶۲۲۱ وکالت آقای یدالله ترابی به موجب وکالتنامه شماره ۲۸۲۷۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۳ دفتر اسناد رسمی شماره ۲۲۱ کرج به نشانی کرج عظیمیه میدان مهران خیابان حافظ شمالی کوچه سنبل – پلاک ۲ .

خوانده :

۱ – خانم منیره شیخ علیا فرزند محمد ۲ – وحید شیخ سفلی فرزند محمد ۳ – مسعود شیخ سفلی فرزند محمد ۴ – مسعد شیخ سفلی فرزند محمد ۵ – سعید شیخ سفلی فرزند محمد ۶ – اعظم شیخ سفلی فرزند محمد ۷ – اکرم شیخ سفلی فرزند محمد ۸ – سمانه شیخ سفلی فرزند محمد به نشانی تهران پاسداران – خیابان سالدوش – بوستان مهشری یا نهم . پلاک ۵۳ واحد ۶۲ . (کرج خیابان طهری . خیابان شهید عاملی . بن بست ۲ پلاک ۱۵۲)

۹ – فاطمه رسولی طاهر فرزند سید رحمت اله سالک سنندار یک دانگ مشاع از ششدانگ باستثنای ثمنیه اعیانی موضوع امر ابنیه صادره شماره ۸۷۷۹۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۰۴ و نیابت صادره از طرف شعبه دادگاه عمومی لواسانات موضوع : افراز پلاک ۷۴۰ فرعی از ۱۱۷ اصلی .

گردشکار

نظر به درخواست وارده ۱۱۰۵۱ ۱۴۸۰ مورخه ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ آقای یداله ترابی به موجب وکالتنامه شماره ۲۸۲۷۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۳ دفتر اسناد رسمی شماره ۲۲۱ کرج به عنوان وکیل خانم عصمت رهاوی عزآبادی احدی از مالکین مشاعی پلاک فوق را نموده که گردش ثبتی پلاک مورد تقاضا بشرح زیر می باشد .

پرونده ثبتی مورد مطالعه قرار گرفت مشخص بر ابر سوابق ثبتی یکفقره اظهارنامه ثبتی بوارده ۴۳۰۴ مورخ ۹۷/۳/۳۱ (که در پرونده موجود نمیباشد) ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی و دیمزار بپلاک ثبتی ۷۴۰ فرعی از سنگ ۱۱۷ اصلی واقع در قریه لواسان بزرگ بخش ۱۱ تهران بامشابه از نهرهاعون ضمن رقبات از طرف آقای سید عبداله (سادات لواسانی بزرگ) فرزند مرحوم سید تقی بشناسنامه ۱۷۱۳۲ درخواست ثبت بعمل آمد .

آگهیهای نوبتی چندنوبه منتشر شده باشد در دسترس نیست تا صحت انتشار آن گواهی گردد. تحدید محدود پلاک مذکور بدون عملیات نشئه برداری و تعیین مساحت و طول ابعاد در تاریخ ۳۹/۷/۲۸ بعمل آمد . سپس برابر گواهی حصر وراثت بشماره ۲۰۸۹ مورخ ۳۴/۱۱/۹ شعبه اول دادگاه بخش تهران مستندعی ثبت فوت نموده که ورثه حین الفوتش عبارتند از کمال سادات لواسانی بزرگ پسر و بانو طوبی هادیان رستانی عیال متوفی میباشند.

آنگاه ششدانگ ملک مرقوم بموجب سند قطعی شماره ۲۴۰۹۰ صورخ ۳۶/۱۰/۱۱ دفترخانه ۶۹ تهران به آقایان سید جلیل و عباس با شهرت پور منوچهری و محمود و سید اسداله باشهرت سید نصراله (بالسویه) انتقال یافت . پس از آن طبق تقسیم نامه شماره ۲۴۱۶ مورخ ۴۲/۸/۸ دفترخانه ۱۲ قلهک . پلاک موصوف در ازا سهم مشاعی در سهم اختصاصی آقای سید جلیل پور منوچهری قرار گرفت که متعاقبا برابر اقرار نامه شماره ۳۶۷۱۰ مورخ ۶۱/۱۰/۱۹ همان دفترخانه اعلام گردید که در موقع تنظیم تقسیمنامه مذکور : پلاک ۷۴۰ فرعی از ۱۱۷ اصلی در سهم آقای سید جلیل پور منوچهری قرار گرفته بود سپس بر اشتباه بوده و پلاک مذکور در سهم اختصاصی آقای سید اسداله سید نصراله صحیح میباشد. پس از آن بموجب سند قطعی شماره ۳۶۷۱۰ مورخ ۶۱/۱۰/۱۹ دفترخانه ۱۲ قلهک تمامت ششدانگ به آقای محمد شیخ سفلی انتقال یافت . آنگاه مراتب طی شماره ۳۱۹۹۵ مورخ ۶۲/۱۰/۱۰ و ۳۶۱۴ مورخ ۶۲/۱۱/۲۳ به اداره کل ثبت اسناد تهران گزارش گردید که طی شماره ۱۹۶۳۵ مورخ ۶۲/۱۲/۲۲ اعلام شد که چنانچه پلاکهای مورد گزارش مشمول قانون اراضی شهری نمیباشد و چون تاکنون نسبت به تقسیمنامه سند مالکیت صادر نگردیده . هرگاه اقرار نامه رسمی با موافقت کلیه ذوی الحقوق تنظیم گردیده است در صورت عدم وقوع اختلاف و تعارض با توجه به مفاد استاد رسمی مذکور طبق مقررات مربوطه خود عمل نماید و برابر سند قطعی شماره ۱۲۰۵۲۴۰ مورخ ۸۶/۱۰/۸ دفتر خانه ۲۵۰ تهران تمامت یکدانگ مشاع (باستثنا ثمنیه اعیانی از ششدانگ) از خانم فاطمه رسولی طاهر فرزند سید رحمت اله به خانم عصمت رهاوی عزآبادی فرزند محمد منتقل گردید. سپس بموجب سند شماره ۱۱۳۰ مورخ ۸۹/۷/۱۷ دفترخانه ۲۷۱ تهران سند انتقال اجرایی از طرف دادگاه عمومی بخش لواسانات و رودبارقصران بقائم مقامی آقای حمید سهیل شاکر احد از ورات مرحوم محمد شیخ سفلی طبق گواهی حصر وراثت شماره ۸۱۶ مورخ ۶۶/۲/۲۸ شعبه ۶۹ حقوقی دو تهران برابر دادنامه شماره ۱۰۶۹ – ۸۷۰۹۹۷۰۲۴۳۰۰ مورخ ۸۷/۹/۱۰ شعبه ۲۸۳ دادگاه خانواده تهران و اجرائیه صادره بشماره ۸۷۷۹۲ مورخ ۸۷/۱۲/۴ و نیابت صادره از طرف آن شعبه دادگاه عمومی لواسانات به خانم فاطمه رسولی طاهر فرزند سید رحمت اله مقدار یکدانگ مشاع از ششدانگ باستثنا ثمنیه پلاک ثبتی موصوف منتقل شد . گزارش گردش وضعیت ثبتی طی شمارههای ۵۶۵۱ مورخ ۶۳/۳/۷ و ۸۵۲۰ مورخ ۶۲/۳/۳ به بانک کشاورزی شعبه مرکزی و طی شماره ۱۰۷۳ مورخ ۸۹/۱/۲۵ به شعبه ۲۸۲ دادگاه عمومی تهران و ۶۱۸۷ مورخ ۸۹/۵/۱۲ دفترخانه ۲ لواسان اعلام که نتیجه نامشخص میباشد .

پرونده ثبتی الکترونیکی حکایتی بیش از این ندارد و با توجه به اینکه ملک مرقوم در جریان ثبت بوده و سند مالکیت تاکنون صادر نگردیده لذا این اداره از معاملات احتمالی آن بی اطلاع و مسئولیتی نخواهد داشت از طرفی حسب تقاضای یدالله ترابی وکالتا از طرف عصمت رهاوی عزآبادی مستند به نامه شماره ۳۸۳۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۲ جهاد کشاورزی شمیرانات صراحتا اعلام نموده پلاک مرقوم قابلیت افراز ندارد محدودیت مطابق گواهی دفتر بازداشتی پلاک مذکور در قید بازداشت نمی باشد.

سپس در اجرای ماده ۱۵۴ – اصلاحی قانون ثبت از اداره جهاد کشاورزی شهرستان شمیرانات استعلام : که اداره مذکور طی نامه شماره ۳۸۳۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۲ به علت عدم رعایت حد نصاب های مقرر در آئین نامه اجرایی قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی غیر قابل افراز تشخیص گردید . لذا بشرح ذیل مبادرت به انشا رأی می گردد رأی به رد افراز

نظر به محتویات پرونده در اجرای ماده ۱۵۴ – اصلاحی قانون ثبت و گزارش مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۹ نماینده و نقشه بردار این اداره و نامه شماره ۳۸۳۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۲ اداره جهاد کشاورزی شهرستان شمیرانات مبنی برای عدم قابلیت افراز پلاک ۷۴۰ فرعی از ۱۱۷ – اصلی به علت زیر حد نصاب های مقرر مقرر در آئین نامه اجرایی قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی ، رأی به رد افراز ملک مرقوم صادر می گردد و در اجرای ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۲ این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه لواسانات خواهد بود ۱۲ .

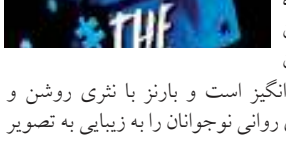
نصراله رادپور – رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات

۱۵۷۹۵/م الف

معرفی کتاب

نابغه‌ها اثر جنیفر لین بارنز

کتاب «نابغه‌ها» نوشته‌ی جنیفر لین بارنز، آغازگر مجموعه‌ای جذاب از رمان‌های جنایی-هیجانی نوجوانانه است که با تلفیق ویژگی‌های رفتاری، آسیب‌های روانی نوجوانی و معماهای پیچیده، مخاطب را به دنیایی هیجان‌انگیز می‌برد. این اثر با درهم‌آمیزی رئالیسم روان‌شناختی و ریتم پرتعلیق تریلر، داستانی منسجم و تاثیرگذار خلق کرده است. لحن رمان به طور همزمان درون‌نگر و هیجان‌انگیز است و بارنز با نثری روشن و روان، پیچیدگی‌های روانی نوجوانان را به زیبایی به تصویر می‌کشد.



شخصیت اصلی، کسی هابز، نوجوان هفده ساله‌ای است که به خاطر توانایی خاص خود در «خواندن ذهن» دیگران، توسط یک برنامه مخفی اف‌بی‌آی جذب می‌شود. کسی که زندگی‌اش در کلرادو میان پرورشگاه و شغل‌های نیمه‌وقت متلاطم است، وارد «خانه نابغه‌ها» می‌شود؛ جایی که نوجوانانی با استعدادهای خارق‌العاده چون مایکل (توانایی همدلی)، دین (بازمانده از ترومایی شدید)، لیا (دروغ‌سنج انسانی) و اسلون (نابغه آمار) گرد هم می‌آیند تا پرونده‌های سرد و حل‌نشده را بررسی کنند. در خلال آموزش و تحقیقات، گذشته کسی با یک قاتل زنجیره‌ای که به همسالانش نزدیک می‌شود، درهم می‌آمیزد. با افزایش خطر و سرنخ‌ها، اعضای گروه ناچارند به یکدیگر تکیه کنند و در عین حال با زخم‌های روانی خود دست و پنجه نرم کنند. مضامین اصلی کتاب حول محور ماهیت استعداد، تاثیرات روانی تروما، پیچیدگی‌های اعتماد و فریب و ابهامات عدالت می‌چرخد. بارنز در خلال روایت، نشان می‌دهد که چگونه توانایی‌های استثنایی این نوجوانان ریشه در درد و آسیب‌های عمیق دارد و همکاری گروهی می‌تواند در عین حال که التیام‌بخش است، به چالش‌هایی جدی نیز منجر شود. او همچنین به خوبی نشان می‌دهد که هویت فردی و جمعی چگونه توسط رازها، سوءظن‌ها و تعهدات شکل می‌گیرد. شخصیت‌پردازی‌ها از عمق روانشناختی قوی برخوردارند؛ کسی، محتاط و مصمم است و قتل مادرش، عقده‌ای روانی در او ایجاد کرده است. مایکل با جذابیت و هوش عاطفی‌اش، پشت نقابی از آسیب‌های پنهان پنهان می‌شود. دین، متفکر و گوشه‌گیر، تجربه‌های مشترکی از تروما با کسی دارد. لیا، اهل بحث و تیزبین است و اسلون، با وجود درخشش ذهنی، اجتماعی بودن را به سختی می‌پذیرد و کاملا همدل است. تعاملات متنوع آنها، چه همکارانه و چه متناقض، تصویری واقعی از چگونگی مقابله نوجوانان بااستعداد با فشارهای روانی، پنهان‌کاری‌ها و وفاداری‌ها ارائه می‌دهد.